

مطالعه پدیدارشناسانه ابعاد تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن (مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل)

حسن عموزاده سماکوش^۱، ذبیح پیرانی*^۲، عباسعلی حیدری^۳، محمدرضا سرمدی^۴

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران.

۲- استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران.

۴- استادگروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن انجام گرفته است، حوزه پژوهش کیفی، به لحاظ هدف کاربردی و از نوع پدیدارشناسی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برقی، انتخاب و نمونه‌گیری زمان اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که در این پژوهش ساخته شد، و روایی و پایایی آن توسط متخصصان مورد تایید قرار گرفت، روش تجزیه و تحلیل داده نیز کدگذاری و تحلیل تفسیری بود، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن دارای مبانی: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی است. اهداف تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن شامل: حب ذات، دوست داشتن بندگان اصلح و مومن، خدا دوستی و پیروی از او، صبغه الله و خلیفه الله و حیات طیبه هستند. اصول تربیت مبتنی بر حب خدا از منظر قرآن عبارت بودند از: اصل ابراز یا منع محبت، اصل تأثیر حب در معرفت و یادگیری و برعکس، اصل خدامحوری، اصل اعتدال، اصل بهره‌بری صحیح از دنیا و اصل آزادی در تربیت. در خصوص روش‌های تربیتی مبتنی بر حب خدا از منظر قرآن می‌توان به: روش حبّ عبودی، روش الگوبرداری، روش موعظه، روش محبت و مدارا و تصرف بر قلب‌ها، پرهیز از سخت‌گیری و توجه به محیط نشاط و شادابی، روش اسوه حسنه و برشمردن نعمت‌های الهی (یادآوری نعمت‌ها) اشاره نمود. در خصوص مراحل تربیت مراحل رشدی و توجه به تفاوت‌های فردی دارای اهمیت ویژه‌ای است.

واژگان کلیدی: تربیت، حب خدا، قرآن، مبانی، اهداف، اصول، روش

مقدمه

تربیت اسلامی ناظر به نظامی از اندیشه است که مستقیم یا غیرمستقیم از متون اسلام سرچشمه گرفته و حاوی شناختی نسبت به پدیده‌ها و روابط موجود در حوزه عملی تعلیم و تربیت، صورت‌های مطلوب آن‌ها و نحوه ایجاد تغییر در آن‌هاست (باقری، ۱۳۹۰) و از طرفی تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است (اختیاری صادق و رحیمی، ۱۳۹۴). انسان رفتارهای پیچیده و مرموزی دارد که باید برای تربیت آن، براساس شرایط حاکم بر فرد و اجتماع، از روش‌های تربیتی مختلف استفاده شود (دانش، ۱۳۸۷). در صورتی تعلیم و تربیت به فرآیندی پویا، و تعالی جویانه تبدیل می‌شود که اهداف آن، نه تنها از انتظارات و فرهنگ جامعه، که از مبنای الهی و مطلق نیز سرچشمه بگیرد (جعفری، ۱۳۹۳). بر این اساس، یکی از محورهای اساسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی پرداختن به مفاهیم بنیادی قرآن کریم است که می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تعلیم و تربیت اسلامی مؤثر باشد. قرآن، بدون تردید، آخرین و کاملترین کتاب تربیتی الهی است، و بررسی مفاهیم قرآنی یکی از مهمترین دغدغه‌های تربیت اسلامی است. در قرآن کریم مشتقات تربیت از ریشه‌ی «رب» و «ربب» بیشتر از ریشه‌ی «ربو» در قرآن به کار رفته‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹). ماده‌ی «ربو» در مورد تربیت انسان به کار رود، مراد رشد و نمو و تربیت بدنی، جسمانی و مادی است، برخلاف «تربیت» از ریشه‌ی اصلی «ربب» که به معنای سوق به سمت کمال معنوی است. تربیت انسان، پیچیده و دارای ابعاد، آثار و لوازم فراوانی می‌باشد. به نظر می‌رسد معانی متعددی مانند اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی نمودن، تأدیب، چیزی را ایجاد نمودن و به تدریج تکامل بخشیدن و حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و نمو و تمییم، که برای ریشه‌ی «ربب» و «ربو» نقل شده است، از آثار و لوازم تربیت و سوق به سوی کمال هستند (مصطفوی، ۱۳۸۵). در این بین، حب^۱ از جمله مفاهیم بنیادی قرآنی و مفهوم میان رشته‌ای مهمی است که ارتباط تنگاتنگی با حوزه فلسفه، عرفان، روانشناسی و تعلیم و تربیت دارد (شیروانی شیری و همکاران، ۱۳۹۲).

شکی نیست که اسلام دین عشق، محبت و حُب است، اما هر جاذبه، میل و کششی مثبت نیست زیرا: «عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون» (قرآن کریم، بقره، ۲۱۶). چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. لذا محبت‌ها دو گونه‌اند: محبت‌های پسندیده، مانند: محبت خدا به انسان، محبت انسان به خدا، محبت پیامبر و اهل بیت (ص) محبت پدر و مادر. محبت‌های ناپسند مانند: دوستی شیطان، دشمنان خدا و رسول، دوستی با نامحرم و... (صالحی زاده،

۱. Love

۱۳۸۸). گاه محبت نمی‌تواند از اشارت‌ها و ظواهر ما راه به درونمان جوید. در این موارد، ناهمواری‌ها را می‌توان به مدد بیان هموار ساخت. بیان نیز جلوه‌ای از باطن است و با مضاعف شدن آن، جلوه محبت نیز مضاعف می‌شود. به زبان آوردن مهر مایه تحکیم تربیتی است (باقری، ۱۳۹۰). در دهه‌های اخیر به تلاش برای ارائه الگوی اهداف تربیت در آثار تربیتی بیشتر توجه شده است (سعیدی رضوانی و غفاری، ۱۳۸۴؛ به نقل از دلیری و همکاران، ۱۳۹۳). در حقیقت مهمترین چیزی که یک نظام تربیتی را از سایر نظام‌های تربیتی متمایز می‌کند، اهداف و غایت‌های آن نظام است (ملکاوی، ۱۳۸۰). ترسیم شفاف و منطقی اهداف مورد نظر در هر نظام تربیتی، مستلزم مدل و الگویی است که از مؤلفه‌های جامعیت، استناد و انسجام برخوردار باشد. فقدان چنین الگویی، از مهمترین کاستی‌ها و مسائل آموزش و پرورش است (آقازاده، ۱۳۹۵). مفهوم حب در قرآن بر معانی متعددی از قبیل محبت مال، جاه و مقام، محبت به دیگران، محبت به خود، اما بنیادی‌ترین نوع آن بر محبت بنده به خالق یکتا و محبت خداوند به بندگان، دلالت دارد که از این مبنا می‌توان برای تربیت در ابعاد گوناگون آن بهره جست و می‌بایست در ابعاد تربیتی نظام آموزشی در نظر گرفته شود در غیر این صورت پیامدهای ناخوشایندی را برای جامعه خواهد داشت؛ به طوریکه عدم توجه به این مهم در نظام آموزشی می‌تواند گرایش دانش‌آموزان به سایر محبوبان دنیوی و انحطاط اخلاقی را در پی داشته باشد. به طور کلی دلالت‌های تربیتی مفهوم حب به عنوان مفهوم قرآنی در سراسر تار و پود عالم هستی به عنوان عامل اتصال همیشگی حضور دارد و سراسر وجود انسان را با همه گستردگی و تنوع ابعاد در بردارد. علاوه بر جنبه فردی، جنبه اجتماعی او را در بر می‌گیرد و ارتباط او را با خداوند از سویی با خود و دیگران از سوی دیگر و با عالم هستی از دیگر سو، تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، دین و دنیای انسان تحت تأثیر حب قرار دارد؛ به همین دلیل است که امام محمد باقر (ع) فرمود: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» و یا «الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ» (شیروانی شیری، ۱۳۹۲).

حب الهی، یکی از مهمترین مفاهیم اسلامی است. تمام اعمال انسان در دین اسلام، باید یک جهت‌گیری کلی داشته باشد که آن رضای خداوند متعال است که تحصیل آن در مراتب عالیه اش بر خاسته از حب وافر به ذات پاک خداوند است. نقش والای چنین حبی در تربیت انسان انکارناپذیر است. زیرا حب الهی در همه شئون زندگی از جمله شخصیت، رفتار و خلق و خوی انسان تاثیرات بسیار دارد و در شرایطی که چنین حبی در دل انسان ریشه ندهاند، اعمال و رفتار آدمی از مسیر اصلی آن خارج شده و نیت و عمل وی نیز درگیر مادیات دنیوی خواهد شد (حیدری فرد، ۱۳۹۵). بحث حب و استنتاج تربیتی از آن به مطالعات گسترده‌تر و دقیق‌تری نیاز دارد و اهداف تربیتی مبتنی بر حب خدا، مبانی، اصول، روش‌ها و مراحل مهم، نیز به بررسی و تفحص در این باب، نیاز دارد. از این رو به نظر می‌رسد، جنبه‌های مختلف مفهوم

حب و دلالت‌ها و تحلیل‌های آن و ارتباط آن با بحث اخلاق اسلامی می‌تواند به عنوان یک مسئله اساسی تلقی شود و در حقیقت کم و کیف پیروی محب حقیقی از محبوب چگونه است؛ به دیگر سخن، رابطه پیروی و عقلائیّت و به کارگیری آن در زندگی همچنان به عنوان یک مسئله مطرح است. آنچه در بسیاری از منابع دینی در خصوص حب خدا رایج است، موارد مبتنی بر واجبات و مستحبات دینی همچون نماز و روزه و سایر مواردی از این قبیل است. گرچه عمل به واجبات و مستحبات دینی می‌تواند زمینه و بستر مناسبی را برای رسیدن به حب الهی برای فرد فراهم نماید اما الزاماً ضامن دوام و بقای آن نخواهد بود و عالی‌ترین شکل آموزش، آموزش مبتنی بر روش قولی و فعلی است که از طریق به زبان آوردن قولی معین، تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید. اما با قائل شدن اندکی توسعه در آن، می‌توان برای تلقین فعلی نیز جایی در نظر گرفت. مراد از تلقین فعلی آن است که با آشکار ساختن عملی در اعضاء و جوارح سایه و طنین آن در عمل را به درون بیفکنیم. این بدان سبب است که آدمی در راستای رسیدن به حب الهی نیازمند مسیر درست و مناسب مبتنی بر تعلیم و تربیتی الهی است که در سایه آن در مسیر مطلوب حب الهی قرار گیرد. جنبه ایمانی و ربانی در تربیت اسلامی از مهمترین ویژگی‌های آن به حساب می‌آید و برنامه تربیتی اسلام روی همین محور در چرخش است، بگونه‌ای که نسل خداجویی را بار می‌آورد که در هر کار به خداوند توجه داشته و جز خشنودی او هدف و مرام دیگری به دل ندارند. از اینرو هر حرکت و جنبش اسلامی در صورتی که تربیت افراد با تربیت ایمانی و ربانی و محب خدا در صدر برنامه کار و فعالیتش قرار نگیرد، ناکام و نافرجام است. به این معنا که هر نوع فعالیت و تلاش دیگر آن بی‌نتیجه بوده و تأثیر ثمربخشی در جهت رسیدن به هدف از خود بجا نخواهد گذاشت. شایان ذکر است که اساس و جوهر تعلیم و تربیت اسلامی در حب خلاصه شده است، و از طرفی نباید پنداشت که حب خداوند، یک حب انفعالی است بلکه نیازمند پرورش و تربیت دارد و اهداف کلان نظام آموزش و پرورش کشور نیز براساس محورهای تربیت اسلامی بنا شده است، اما اینکه این اهداف تا چه اندازه در عمل به اجرا گذاشته می‌شود و تا چه اندازه بدان جامه عمل پوشانده است، از مهمترین مسائل و چالش‌های پیش روی نظام آموزشی می‌باشد. جهت رسیدن به این هدف کلان و اهداف تربیتی دیگر نیازمند شناختی دقیق از برنامه درسی و تربیتی مبتنی بر حب خدا هستیم بر همین اساس شناخت مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیتی تربیت مبتنی بر حب خدا از منظر قرآن دارای اهمیت ویژه ای است و نیاز است در این زمینه گام‌های اساسی برداشته شود. از آنجا که حب الهی در تربیت، اصلاح و بالندگی همه جانبه فرد و اجتماع نقش اساسی داشته از این رو این مساله نیاز به تبیین و بررسی همه جانبه‌تر دارد. بنابراین پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال است تربیت مبتنی بر حب خدا از منظر قرآن دارای چه مبانی، اهداف، اصول و روشهای تربیتی است؟

آزاد مظلوم (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان «تبیین دلالت‌های تربیتی حب ذات متعالی از دیدگاه اسلام» انجام داده است. در این تحقیق ابتدا به تبیین حب ذات متعالی پرداخته شده است، سپس براساس این مبنا، اصولی همچون اصل تعالی حیات، اعتدال، نوع دوستی، انسانیت، تعاون، مسئولیت‌پذیری و حب الهی استخراج شد. بر اساس این اصول، به ترتیب روش‌هایی همچون نیاز به احساس تعالی، حفظ کرامت خویشتن، رشد متوازن شخصیتی، داشتن رقت قلب، کنترل حب و بغض‌ها، داشتن هویت اخلاقی باز، ارج نهادن به احساسات انسانی، احساس نیاز به همکاری، سبقت جستن در امور خیر، تقویت توجه به نتایج اعمال فردی و اجتماعی، آگاهی نسبت به اهداف جامعه، اعتقاد به هسته‌های مشترک ادیان الهی و رعایت اخلاص استخراج شد.

رضایی (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان «بررسی نظایر واژه حب در قرآن کریم» انجام داده است. یافته‌ها نشانگر این موضوع است که: این واژه و مشتقاتش در قرآن، مشخص گردیده است که حب با واژگانی از قبیل موده، الفه، رأفه، خُله، صداقه، شغف و... تناظر و مترادف معنایی دارند به طوری که برخی از این واژگان به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم با حب رابطه معنایی دارند. در حقیقت می‌توان گفت حب یک مفهوم نسبی و دارای مراتب هست.

احمدپور دهقان (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان «ابعاد تربیتی تعلیل به حب الهی در آیات قرآن کریم» انجام داده است. در این پژوهش آمده است که محبت، عنصری است که در ارتباط محب و محبوب شکل می‌گیرد و آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند. در ارتباط متقابل خداوند و بنده نیز محبت، نقشی اثرگذار دارد. محبت خداوند به بنده، به معنای محبت رایج بین بندگان نیست، بلکه به معنای تحقق آثار محبت است.

جعفری دمسار (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان «نقش محبت به خدا در هدایت انسان» در دانشگاه اصول‌الدین انجام داده است. براساس یافته‌های این پژوهش حقیقت محبت یک مسأله‌ی روحی و روانی همه انسان‌ها است. بدین معنا که انسان ذاتاً با مهر و محبت سرشته و اولین و اساسی‌ترین غذای روحی و روانی و معنوی آدمی با محبت تأمین می‌گردد. در بعد باور و بینش، محبت به خداوند مهربان باعث می‌شود نگاه انسان مومن به توحید و یکتاپرستی تغییر بنماید. انسان مومن با برهان محبت، خدا را اصیل‌ترین و تنهاترین محبوب معرفی می‌نماید و بیان می‌دارد که خدا هدفی است که دل‌ها به سوی او گرایش و توجه دارد و در پرتو قرب به او اضطراب و دلهره از آن رخت برمی‌بندد و مطمئن می‌گردد.

کریمی ساردویی و گلی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان «بررسی موانع محبت خدا به انسان در قرآن» انجام داده‌اند. براساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش دوستی و دوست

داشتن، انسان را به سوی هم شکلی و هم سانی با محبوب می کشاند و انگیزه عمیق این حب که در ژرفای وجود آدمی جای دارد سبب می شود که محب به صورت محبوب در آید.

شیروانی شیرینی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان «تأملی در معنای حب در قرآن و دلالت های تربیتی آن» انجام داده است. یافته ها نشان می دهد که مفهوم حب در قرآن بر معانی متعددی از قبیل محبت مال، جاه و مقام، محبت به دیگران، محبت به خود، اما بنیادی ترین نوع آن بر محبت بنده به خالق یکتا و محبت خداوند به بندگان، دلالت دارد که از این مبنا می توان برای تربیت در ابعاد گوناگون آن بهره جست.

صالحی سمندی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان چپستی و جایگاه محبت در اخلاق اسلامی انجام داده است. این پژوهش سعی دارد نشان دهد که دین مبین اسلام نه تنها دین جنگ و زور نیست؛ بلکه سیر تکامل انسان را بر اساس «حب فی الله و بغض فی الله» قرار داده است تا انسان در این مسیر به قرب الهی برسد.

روش شناسی پژوهش

حوزه پژوهش کیفی، روش پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر نوع داده بنیاد می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارشناسان حوزه تربیت دینی شهر تهران بودند، تعداد نمونه مورد مصاحبه تا زمان اشباع داده ها ۶ نفر بود. در این پژوهش از روش نمونه گیری هدفمند گلوله برفی استفاده شد. ابزار گردآوری داده ها شامل فیش برداری و مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. روش پژوهش بدین صورت بود که: داده ها از طریق مصاحبه با کارشناسان مربوط به حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و فلسفه تعلیم و تربیت جمع آوری شد. کار گردآوری داده ها تا زمانی که اطمینان حاصل شد که داده جدیدی به دست نخواهد آمد و تا زمان رسیدن به نقطه اشباع ادامه پیدا کرد. سپس تحلیل داده ها با کد گذاری انجام شد. از آنجا که در این پژوهش از رهیافت نظام مند در روش اسنادی استفاده شد، در مرحله کد گذاری از سه روش کد گذاری آزاد، محوری و گزینشی بهره گرفته شد. در نهایت الگوی مورد نظر با استفاده مولفه ها و مقوله هایی که از فرآیند کد گذاری حاصل شده بود و ارتباطاتی که بیرون کشیده شد، طراحی شد.

یافته‌های پژوهش



شکل ۱: مبانی حب و محب خدا از منظر قرآن

یافته‌های مندرج در شکل شماره ۱ در خصوص شناخت مبانی تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن، نشان می‌دهد که بر اساس نظر متخصصان حوزه تربیت دینی مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی از مهمترین مبانی تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می‌باشند.

۱. مبانی معرفت‌شناسی حب و محب خدا

یکی از مباحث مهم در مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، موضوع معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی است (شریعتمداری، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

در حوزه مبانی حب و محب خدا، اگر ما خدا را بشناسیم دیگه جایگزین غلط نخواهیم داشت. لازمه حب به خدا، شناخت و معرفت است. هر چه معرفت به خدا بیشتر باشد حب و علاقمندی به خدا بیشتر خواهد بود و بسیار تاثیر گذار و یک رابطه مستقیم است بین معرفت و ایجاد حب.

مصاحبه شونده شماره ۶ مطرح می‌کند که:

«این بحث معرفت‌شناسی همین فطری بودن معرفت خدا. این فطری بودن معرفت خدا در قرآن کریم خودش تاکید شده است»

۲. مبانی هستی‌شناسی حب و محب خدا

موضوع هستی‌شناسی، شناخت واقعیت است (شریعتمداری، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

مواردی که در مبانی حب و محب خدا از منظر قرآن مطرح است شامل: دوست داشتن مرگ (البته یکی از اساتید فرمودند که این مورد نمی‌تواند جزء مبانی مطرح شود بلکه باید خلود یا جاودانگی و خوشبختی و سعادت را عنوان کرد)، پیروی از دستورات الهی، عدم غفلت از یاد خدا، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا (باز هم یکی از اساتید این را جزء اصول عنوان کردند)، بیمناکی در عین محبت و امیدواری نسبت به خداوند (این را هم جزء اصول عنوان کردند).

کارشناس شماره ۶ می‌گوید:

آنچه که در اینجا مطرح است اینکه صفات خدا به عنوان مبنا معرفی می‌شود. (خالقیت و رحمت خدا و ...)

بحث خالقیت در هستی‌شناسی به ما کمک می‌کند. اگر هستی و انسان مخلوق خداست، چون خدا مخلوق خودش را دوست دارد پس انسان را دوست دارد. هستی‌شناسی انسان یا هستی‌شناسی به معنای اعم از انسان است و هستی‌شناسی کلی در جهان خالقیت خدا را ایجاد می‌کند که این خالقیت به هستی‌شناسی مرتبط است.

۳. مبانی انسان‌شناسی حب و محب خدا

از قدیم الایام تاکنون تصویری که فیلسوفان و عالمان اخلاق از طبیعت آدمی عرضه کرده‌اند، از مهمترین پایه‌های شکل‌گیری تئوری‌های تربیتی بوده که روش‌ها و اصول خاص را در تربیت افراد به دنبال داشته است. اینکه آیا طبیعت انسان به خیر و خوبی گرایش دارد یا به شر و بدی، بی‌اقتضاست یا مقتضی خیر و شر و آیا هر یک از این گزینه‌ها قابل اطلاق به عموم انسان‌ها است یا اینکه فقط در مورد برخی انسان‌ها صادق است و نیز بحث از اینکه آیا انسان‌ها واجد شناخت‌های اخلاقی هستند و این شناخت‌ها کدامند، هر یک به نوعی در انسان‌شناسی تربیتی مؤثر است و با مبانی که از طبیعت انسان در تعلیم و تربیت پذیرفته می‌شود، مباحث دیگر تعلیم و تربیت نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. آنان که حکم به نیک طبعی انسان کرده‌اند، بیشتر تربیت سلبی یا منفی را توصیه نموده‌اند؛ به این معنا که معتقدند باید تنها راه ورود پلیدی‌ها به درون آدمی را بست و مانع‌زدایی کرد (نقیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۲۱).

مصاحبه شونده شماره ۳ مطرح می‌کند که:

مبانی حب و محب خدا از منظر قرآن کریم، از نظر مبانی ریشه در سرشت انسان دارد، یعنی خدای متعال انسان را موجودی آفریده که در کنار آن شناخت‌ها، ادراکات و دانش‌هایی

که انسان دارد، یک بُعد دیگری دارد تحت عنوان گرایش‌ها و میل‌هایی که در وجود انسان و در کانون دل انسان است.

انسان دارای دانش و گرایش است، از این منظر محبت و حب می‌تواند یک توجیه فلسفی - قرآنی داشته باشد.

مصاحبه شونده شماره ۵ می‌گوید:

حالا درباره مبانی حب و محب خدا از منظر قرآن، عقیده بنده این است چون مبانی در ارتباط با تربیت است و تربیت هم موضوع اش انسان است، هیچ یک از مبناها (جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاق‌شناختی و سیاست‌شناختی و...) به اندازه انسان‌شناختی به عرصه تربیت نزدیکتر نباشد. ما تا انسان، ظرفیت‌های انسان، استعدادها و خمیرمایه وجودی انسان را نشانسیم نمی‌توانیم الگوی تربیتی داشته باشیم.

۴. مبنای ارزش‌شناسی حب و محب خدا

دسته دیگری از مباحث مرتبط با مبانی تعلیم و تربیت که اخلاق در آن نقش و سهم قابل توجهی دارد، مبانی ارزش‌شناسی و تربیت است که بخشی عمده‌ای از آن ارزش‌های اخلاقی است (محسن پور، ۱۳۷۱: ۳).

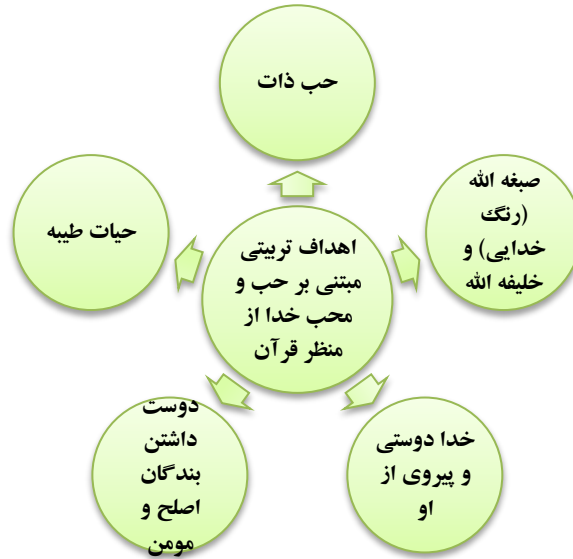
مصاحبه شونده شماره ۲ می‌گوید:

مباحث مربوط به حب در انسان‌شناسی و هستی‌شناسی مطرح می‌شود، اما زمانی که عنوان شود حب را نسبت به چه کسی ابراز کنیم؟ آن وقت ارزش‌شناسی برای ما مشخص خواهد کرد یعنی باید‌ها و نبایدها. "حُب فی الله" و "بغض فی الله" دوست داشتن به خاطر خدا دشمن داشتن به خاطر خدا. یا مثلاً امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هل الدین إلا الحُب» آیا دین چیزی به غیر از حُب و بغض است؟ که در فروع دین تحت عنوان تولی و تبری مطرح می‌شود. در آنجا به ما خواهد گفت که چه کسی را باید دوست و چه کسی را باید دشمن داشت. لذا تو ارزش‌شناسی تکلیف ما روشن می‌شود که به چه کسی باید عشق بورزیم و یا کفار را دوست خودمان قرار ندهیم.

مصاحبه شونده شماره ۶ مطرح می‌کند که:

در حوزه ارزش‌شناسی "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" و "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ" می‌شود مطرح کرد.

خود حب زمینه‌ای است بر تخلق فرد بر اخلاق الهی. چون معمولاً مُحِب به دنبال این هست که شبیه محبوب شود و با محبوب خودش انسی بگیرد به او نزدیک شود و قرب پیدا کند و این می‌شود بستری برای تحقق ارزش‌ها. حُب الهی منشاء کشش انسان‌ها و جذب انسان‌ها به ارزش‌ها می‌شود (ارزش‌شناسی).



شکل شماره ۲: اهداف تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن
یافته‌های مربوط به شکل شماره ۲ درخصوص اهداف تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن نشان می‌دهد که: حب ذات، دوست داشتن بندگان اصلاح و مومن، صبغه الله (رنگ خدایی) و خلیفه الله، خدادوستی و پیروی از او و حیات طیبه از مهمترین اهداف تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می‌باشند.

۵. حب ذات

در ابتدایی‌ترین و بنیادی‌ترین سطح می‌توان به حب ذات به عنوان یک هدف تربیتی اشاره کرد. حب ذات در شکل صحیح خود همان است که زمینه‌ساز معرفت نفس است و معرفت نفس، افضل المعارف خوانده شده است؛ چرا که به معرفت رب منجر خواهد شد و در حدیث آمده است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

خدا سرمشء همه نیکی‌هاست، وقتی ما خدا را دوست بداریم و حبی که به خدا می‌بندیم در اصل همه مظاهر هستی برای ما زیبا جلوه خواهد کرد.

به جهان خرم از آنم که جهانم خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.

۶. دوست داشتن بندگان اصلاح و مومن

مصاحبه شونده شماره ۴ می‌گوید:

نوع دوستی‌ها و دوست داشتن بندگان خدا از مسائلی هست که در واقع من دیدم تو موضوع شما که جاهایی به اصطلاح وارد شده. حس نوع دوستی رو که زاینده فرهنگ بومی، فرهنگ دینی ماست و از اهداف تربیتی مبتنی بر حس خداست».

۷. خدا دوستی و پیروی از او

در سطح آرمانی می‌توان از خدا دوستی به عنوان هدف غایی نظام تعلیم و تربیت اسلامی نام برد. محبت صرفاً علاقه قلبی خنثی و بدون نتیجه عملی نیست بلکه محب واقعی همواره در راه رسیدن به محبوب از هر تلاشی فروگذار نخواهد کرد و این تلاش علاوه بر خاطر و اندیشه در عمل محب و به عبارت دیگر در تمام وجود او تجلی می‌یابد. فرد محب همواره پیرو و تابع اندیشه و عمل محبوب خود است و پیروی از او را همان راه رسیدن به وی می‌داند. خداوند نیز به عنوان حقیقی‌ترین محبوب، شرط محبت خود را پیروی از پیامبر (ص) اعلام فرموده‌اند:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (آل عمران / ۳۱): ای پیامبر! بگو اگر دوستدار خداوند هستید از من پیروی کنید که حاصل آن محبت الهی و آمرزش گناهان شما است. در «معانی الاخبار» از امام صادق (ع) نقل شده است: «ما احب الله من عصاه»: کسی که عصیان حضرت حق می‌کند او را دوست ندارد.

مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

"خدا دوستی" از اهداف تربیتی مبتنی بر حب و محب خداست.

دوست داشتن خدا مصداق بارزی از هدف‌های تربیتی است که باید به آن دقت کرد.

«منظور از هدف‌های تربیتی این هست که ما در حب و عشق به خدای تبارک و تعالی بتوانیم رنگ‌خدایی و صبغه‌اللهی پیدا بکنیم. (هدف اصلی تربیت).

مصاحبه شونده شماره ۲ می‌گوید:

از نظر قرآن، هدف تربیتی مبتنی بر حُب و محبت خدا بودن و محبت خدا داشتن با محب خدا بودن قرب الی الله هست، ولی برای اینکه ما آن تقرب رو پیدا بکنیم و کی می‌توانیم که به آن مقام قرب برسیم و به هر حال به حیات طیبه برسیم باید ایمان به خدا بیاریم و عمل صالح انجام بدهیم. یکی از مصداق‌های عمل صالح دوست داشتن خداست. نغوذ بالله نمیشه گفت به خدا ایمان داریم ولی خدا را دوست نداریم و خدایی را عبادت کنیم که علاقه‌ای بهش نداریم. عبادت و سر بندگی در مقابل خدا ساییدن، لازمه اش دوست داشت معبود است.

قرآن در سوره نحل، آیه ۹۷ می‌فرماید: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" (هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد).

مصاحبه شونده شماره ۳ مطرح می‌کند:

هدف اصلی و نهایی تربیت این است که انسانی تربیت کنیم که اولاً و بالذات خدا را دوست داشته باشد ثانیاً و بالعرض موجودات را در طول دوست داشته باشد نه در عرض خدا. هدف نهایی تربیت، ایجاد شدیدترین، قوی‌ترین و نیرومندترین محبت نسبت به خداست. اما خود دوستی، خویشتن دوستی هدف نهایی نیست بلکه این در طول محبت خداست.

۸. صبغه الله (رنگ خدایی) و خلیفه الله

بنابر آنچه در روایات و تفاسیر آمده، منظور از "صِبْغَةَ اللَّهِ" در آیه شریفه "صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً" (بقره، ۱۳۸) اسلام و یا میثاقی است که خداوند در عهد الست درباره ولایت علی(ع) از مردم گرفته است.

مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

یک رابطه مستقیم بین معرفت و ایجاد حب وجود دارد (معرفت بیشتر = با حب بیشتر) و معرفت کمتر مساوی است با حب کمتر. یک رابطه دو سویه وجود دارد.

۹. حیات طیبه

تعبیر "حیات طیبه" در قرآن مجید تنها در سوره نحل آیه ۹۷ آمده است.

در این آیه می‌خوانیم: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" یعنی: هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مومن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند، خواهیم داد.

مصاحبه شونده شماره ۶ می‌گوید:

در واقع در بحث هدف ما باید بیاییم سراغ سوره بقره، آیه ۳۰، "إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً" در گفتگوی خدا با ملائکه، در واقع هدف خلافت الهی خلقت انسان است که با محبت خدا و محبوب بودن نزد خدا این را زمینه‌سازی می‌کند. ضمن اینکه حیات طیبه می‌تواند جزء اهداف تربیتی باشد.

کسانی که خدا آن‌ها را دوست ندارد، البته نه مبعوض

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره، ۱۹۰).

ترجمه: و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می‌جنگند. و تجاوز و تعدی نکنید. زیرا

خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.



شکل شماره ۳: اصول تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن یافته‌های مندرج در شکل شماره ۳ در مورد شناسایی اصول تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن نشان می‌دهد که: اصل ابراز یا منع محبت، اصل اعتدال، اصل بهره‌بری از دنیا، اصل خدامحوری، اصل تأثیر حب در معرفت و یادگیری و برعکس و اصل آزادی در تربیت مهمترین اصول تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می‌باشند. اصول تربیتی برآمده از مفهوم حب و مفهوم پردازای مفهوم قرآنی حب می‌توان به طور عمده به چند اصل زیر اشاره کرد:

۱۰. اصل ابراز یا منع محبت

مصاحبه شونده شماره ۵ مطرح می‌سازد که:

محبت محوری یعنی اینکه هر چه را خدا گفت در برابرش تسلیم باشیم، مطیع او باشیم یعنی اطاعت.

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ" (سوره نساء آیه ۵۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و اطاعت کنید اولوالامر صاحبان ولایت را که دوازده امام معصومند.

"مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ" (سوره نساء آیه ۸۰): هر کس اطاعت کند از رسول خدا قطعاً اطاعت کرده است از خدا.

"وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا" سوره آل عمران آیه ۳۱: بگو ای پیغمبر به مردم اگر شما دوست خدا هستید پس تبعیت کنید از من و مطیع و فرمانبردار من که پیامبر او هستم باشید. سوره نساء آیه ۶۹: و کسانی که اطاعت کنند از امر خدا و رسول خدا ایشان محشور می شوند با کسانی که نعمت داد خدا بر ایشان از پیغمبران و راستگویان و شهیدان و صدیقین. "وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ" سوره آل عمران آیه ۳۲: بگو به مردم اطاعت کنید خدا و رسول خدا را پس اگر برگردند از حکم تو ای پیغمبر کافر هستند. چون در نماز می خوانیم "إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ"، اینها همیشه معنی محبت محوری خدا. مصاحبه شونده شماره ۶ می گوید: در دانش آموز باید نسبت به استاد و معلم محبت ایجاد شود برعکس. محبت بستر تربیت است.

این بایدهای متعددی به ما می دهد. مثل نفی خشونت در تربیت، نفی تهدید در تربیت، مرحوم دکتر بهشتی کتابی دارند با عنوان "نقش آزادی در تربیت فرزند" که می شود اصولی را از آن استخراج کرد.

اصول همان بایدها و نبایدهاست، نباید در فرآیند تربیتی تهدید و تحمیل باشد و یا ایجاد در دانش آموز ایجاد اضطراب کرد. در برنامه ریزی درسی محیط یادگیری بسیار مهم است محیط یادگیری باید طرفینی و آکنده از محبت و مهرورزی باشد.

۱۱. اصل تأثیر حب در معرفت و یادگیری و برعکس

هر چه این حب بیشتر، میل به شناخت همه جانبه آن نیز بیشتر خواهد بود و در نتیجه یادگیری نسبت به آن همه جانبه تر و عمیقتر خواهد بود. در فرآیندهای تعلیم و تربیت، مربی می تواند با علاقه مند کردن متریان نسبت به پدیده ای و یا جذاب توصیف کردن پدیده ای، میل به یادگیری علمی تر و همه جانبه تر را در متریان فراهم سازد. رابطه عکس نیز بین حب و یادگیری برقرار است؛ بدین ترتیب که هر چه شناخت انسان نسبت به پدیده ای عمیق تر باشد، علاقه مندی نسبت به آن پدیده نیز بیشتر می شود (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۲). مصاحبه شونده شماره ۵ مطرح می کند که:

بعضی از بچه ها هستند که علاقه مند به ریاضیات اند. چون ریاضیات را دوست داره در ریاضیات می تواند به نبوغ برسد. بعضی ها پزشکی، هنر، نقاشی، خیاطی را دوست دارند. یعنی شما برای موفقیت در یک امر دو چیز لازم دارید: یک رغبت و علاقه و دیگری استعداد.

۱۲. اصل خدامحوری

یکی از اصول مهم زیست متکی بر قرآن کریم و روایات معصومین: «خدامحوری» است که در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده است. براساس این اصل، کل نظام هستی از یک هستی محض و یکتا منشعب شده که ضرورت وجود او از ناحیه خود اوست (پهلوان و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

مصاحبه شونده شماره ۲ می گوید:

اصول تربیتی که مبتنی بر حُب هست در واقع جنبه‌های "بایدی" قضیه می‌باشد. وقتی کسی محبوب ما هست هر چیزی به ما بگوید ما اجرا می‌کنیم، لذا اجرای فرامین و دستورهای الهی می‌تواند نشانه حُب باشد، پس باید ما خداوند را دوست داشته باشیم. بعد از این دوست داشتن خدا یک سری اصولی در کنار آن پیدا می‌شود که باید آن اصول را هم رعایت کنیم.

مصاحبه شونده شماره ۳ می گوید:

یک سری اصول تربیتی مطرح هستن مثل خدا محوری، اصل تعبد مداری. محبت ورزی در نظام تربیت اسلامی و محور و مدار همه محبت‌ها؛ خدای متعال است. مثلاً بگوییم: "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ"، سوره بقره، آیه ۱۶۵، ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند. ای کاش این آیه را بیارید. این خیلی رساتر است. بالاترین مرتبه حب. وَالَّذِينَ آمَنُوا چه کسانی هستند؟ این‌ها خروجی‌های تربیت اسلامی هستند.

۱۳. اصل اعتدال

اصل اعتدال‌گرایی بیانگر رعایت اعتدال و توازن در تربیت انسان و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط است. این اصل متضمن دو امر است: مفهوم اعتدال به نوعی دربرگیرنده‌ی جامعیت است. به این معنا که آنچه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد شامل تمام نیازها و خواسته‌های وجودی انسان است و این جامعیت مستلزم رعایت اعتدال در میان نیازهای مزبور و پرهیز از افراط و تفریط در مواجهه با آنهاست؛ رعایت اعتدال در نوع سرمایه‌گذاری و صرف انرژی برای پاسخگویی به یک نیاز، ما را از افراط و زیاده‌روی در پرداختن به آن بازمی‌دارد. در دیدگاه دینی، تداوم هر امری به اعتدال در انجام آن بستگی دارد.

امام باقر (ع) در این خصوص می‌فرماید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ»؛ بهترین و محبوب‌ترین اعمال در نزد خداوند عزوجل عملی است که از سوی بنده تداوم یابد هر چند قلیل و اندک باشد.

نظرات کارشناسان مربوطه در این خصوص به شرح ذیل می‌باشد:

مصاحبه شونده شماره ۳ می گوید:

اعتدال یعنی حد وسط، نه افراط نه تفریط. در محبت به خدا و ولی خدا هرچی افراط بشه اشکالی ندارد.

۱۴. اصل بهره بری صحیح از دنیا

مصاحبه شونده شماره ۵ مطرح می کند که:

«بهره برداری صحیح از دنیا هم یک اصل می باشد.

قرآن می فرماید: **وَأَبْنِغْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا،** سوره قصص، آیه ۷۷؛ (در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوی، و سهم خود را از دنیا فراموش مکن).

منظور اینکه، در آخرت تو طلبکار باش، اما سهم خودت را از دنیا فراموش نکن، نرو به جا کز نکن، نگو من این را نمی خورم و نعمت خدا را ترک نکن. هم غذا را بخور و هم حلال را بخور. **وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا.**

اساس محبت و حب خدا، شامل اصل تسلیم، اطاعت، استمداد (کمک خواهی)، دعا و درخواست (دعا جزء عمل ماست).

۱۵. اصل آزادی در تربیت

انسان نماینده و جانشین خداست و دارای ویژگی های بالقوه اخلاقی خداوند و امانتدار وی است. مجموعه ای این تعبیرات و اصطلاحات رمزی، این حقیقت را می خواهد نشان دهد که در میان همه ی پدیده های هستی، تنها موجودی است که دارای ویژگی ممتازی است که خداوند داراست و این مساله آزادی و آزادگی است. آزادی از موضوعات بسیار مهم و بنیادین در تفکر و تربیت اسلامی است. به متری می بایست تحت چارچوبی خاصی آزادی عمل اعطا نمود که نه از یک سو فقدان آزادی باعث سرکوب عواطف و احساسات او شده و به مشکلات عدیده بیانجامد و نه اینکه آزادی بیش از حد و افراطی وی باعث لجام گسختگی شود. بنابراین آزادی یک اصل اساسی در تربیت است.

مصاحبه شونده شماره ۶ می گوید:

نباید در فرآیند اصول تربیتی تهدید، تحمیل باشد و یا بخواهیم اضطراب ایجاد کنیم اونوقت باید هایش به بایدهای قابل تفصیل است.

سوال پنجم: روش های تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن

روش ها به معنای راه کارها و پیش فرض هایی است که با توجه به مبانی، برای رسیدن به اهداف اتخاذ می شوند.

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام می‌نویسد: بر این اساس تربیت به معنای پرورش دادن و استعدادهای درونی، بالقوه را به فعلیت رساندن است (مطهری، ۱۳۹۵: ۵۷). در آیات ۱۲۹ و ۱۵۱ سوره بقره مقام تربیت و رشد انسان‌ها را به عنوان وظیفه پیامبران و هدف بلند ایشان می‌شمارد و تزکیه به معنای رهاسازی شخص از عناصر بازدارنده برای دستیابی به مواد و منابع نمو و رشد را از اصول دعوت و وظیفه یکایک پیامبران برمی‌شمارد.

آیات ۱۲۹ و ۱۵۱ سوره بقره:

"رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ"

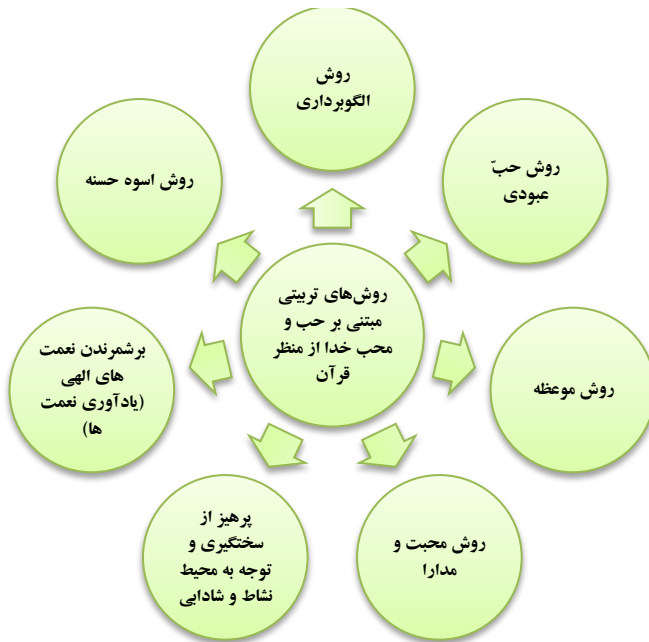
پروردگارا در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که تو خود شکست‌ناپذیر حکیمی.

"كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ"

همان طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم (که) آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد.

در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران، "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ"، به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

و نیز آیه ۲ سوره جمعه هدف از آموزه‌های وحیانی و ارسال کتاب و پیامبران را تعلیم و تربیت و تزکیه انسان‌ها می‌داند. "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ"، اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [انسان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.



شکل شماره ۴: روش‌های تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن

براساس یافته‌های شکل شماره ۴ در خصوص روش‌های تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می‌توان مطرح کرد که: روش حب عبودی، روش الگوبرداری، روش اسوه حسنه، روش موعظه، روش محبت و مدارا، روش برشمردن نعمت‌های الهی (یادآوری نعمت‌ها) و روش پرهیز از سختگیری و توجه به محیط نشاط و شادابی از مهمترین روش‌های تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می‌باشند.

۱۶. روش حبّ عبودی

کارشناس شماره ۴:

حُب عبودی همان عبادت است و یک روش تلقی می‌شود. عبادت یک روش است. عبادت را به این صورت تعریف کنیم: طی طریق براساس فرمان صاحبمون. صاحب ما خداست و هیچکس دیگری نیست.

۱۷. روش الگوبرداری

بررسی شیوه‌های تربیتی از منظر اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. تربیت آن گاه به بار می‌نشیند که اصول تربیتی آن در قالب شیوه‌های درستی به اجرا در آید. یکی از آن روش‌ها، الگوبرداری برحسب نیاز فطری انسان و همانندسازی و الگوپذیری از همان زمان کودکی

است، ولی هرم این الگو هر چه مناسب‌تر و کامل‌تر باشد، آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب بیشتر یاری می‌رساند. از دیدگاه امام علی (ع) تأسی به اسوه‌های حسنه، نقش مهمی در رشد و تعالی انسان‌ها ایفا می‌کند:

«وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَاسْتَتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰، ترجمه شهیدی: ۱۰۷) به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت‌کننده‌ترین سنت‌هاست.»

۱۸. روش موعظه

یکی از شیوه‌های تربیت و هدایت، موعظه حسنه و نصیحت بجاست که نیاز فطری انسان است و بدون آن، دل به شرار غفلت و ضلالت دچار می‌شود و می‌میرد. به فرموده امام علی (ع):

«الموعظةُ جلاءُ القلوبِ و صقالُ النفوسِ؛ موعظه، جلا دهنده قلب‌ها و روشنی بخش جان‌هاست.»

روش نیکوی موعظه و تذکر در قرآن کریم نیز بعد از حکمت مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان که خداوند خطاب به پیامبر خود در راه ابلاغ رسالت فرمود:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... (نحل/۲۵)

«ای پیامبر! مردم را به راه خدا با کلام حکمت‌بار و موعظه حسنه دعوت کن و با آن‌ها به بهترین شیوه، سخن بگو.»

تذکر و یادآوری نعمت‌ها و تکالیف ابتدا در حق خود و آن‌گاه در حق دیگران، از آن رو لازم است که در طریق معرفت و رشد یا درمان باشد و غفلت‌ها را از دل‌مان در مسیر نورانی تربیت بزدايد. تذکر و یادآوری در نقش تکرار است. باید همانند قطره‌ها بر روی سنگ خارای جان به آرامی و استمرار ضربه زد تا سوراخ و راه نفوذی در روح و روان شخص پیدا کند و تاثیرگذار باشد. البته از آیات قرآنی به دست می‌آید که تذکر و یادآوری در همه تاثیر نخواهد گذاشت بلکه تنها در برخی از افراد تاثیرگذار خواهد بود که دارای خشیت و ترس عالمانه باشند (طه، آیه ۳؛ اعلی، آیات ۹ تا ۱۴) یا از انذار و وعیدها بهراسند (ق، آیه ۴۵).

مصاحبه شونده شماره ۴ می‌گوید:

«بحث موعظه و نصیحت تو تربیت بحث بسیار مهمی است». تو روش‌های تربیتی دو اصل تشویق و تنبیه داریم. ولی تنبیه چیزی نیست که اولین مرحله‌اش تنبیه بدنی باشد. تنبیه هشت مرحله دارد تا می‌رسد به اون نقطه. (تذکر غیرمستقیم، تغافل، نصیحت، غماض و چشم‌پوشی، تذکر مستقیم، قهر کردن (بطور کوتاه مدت)، اخطار اعمال تنبیه). این چیزایی است که معلم باید در واقع بدون.»

مصاحبه شونده شماره ۵ می گوید:

«در اینجا چند تا روش داریم، یکی روش تشویق داریم، (شوق در دل افراد بوجود آوردن). یکی روش مهرورزی داریم (محبت کردن). یکی روش الگویی داریم (روش الگوبرداری): روش الگوبرداری یعنی وقتی شخصی کسی را ببیند که رفتارش خیلی خوبه دوست داره کارهایش را مثل او انجام بده. روش موعظه و نصیحت: روش موعظه آره ولی نصیحت نه. بین نصیحت و موعظه فرق می باشد. نصیحت یعنی خیراندیشی، من مطمئن هستم که شما این حرفی که می زنی به نفع منه و حتماً عمل می کنی. موعظه عبارت است: از نصیحتی که آخرش ترس باشه.

مصاحبه شونده شماره ۶ مطرح می کند که:

موعظه و نصیحت هم یک روش تربیتی است. گاهی موعظه و نصیحت، ظاهری است یعنی ظاهرش نصیحت است و ناشی از خیرخواهی و محبت نیست ناشی از عیب جویی است.

۱۹. روش محبت و مدارا

از آنجا که محبت با سرشت و فطرت آدمی سازگار است و پذیرش آن از ناحیه درون و به دور از هیچ تحمیلی است، باید مریبان تربیتی به ویژه خانواده‌ها برای جذب فرزندان و جلوگیری از انحراف آنان بدان متوسل شوند و آگاه باشند که اگر جام محبت در خانواده‌ها لبریز باشد، فرزندان کمتر به ناهنجاری‌های جامعه تن می دهند. در شیوه تربیتی امام علی (ع) به نهایت بعد عاطفی آن حضرت در برابر فرزندانش برمی خوریم؛ از جمله آنگاه که به امام حسن مجتبی (ع) در بیان وصایای خود چنین خطاب می کند:

«فرزندم! تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی؛ آنگونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد، من زنده باشم یا نباشم» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۱۵۹). بنابراین طبق فرمایش و سیره امام علی (ع)، برای تربیت فرزند لازم است که با مدارا، ابتدا شفقت و دلسوزی و مهربانی خود را به اثبات رسانیم و این شیوه را در سطح گسترده برای همه در پیش بگیریم. آن امام همام در تربیت افراد جامعه نیز به اصل تألیف قلوب و محبت و مدارا بسیار توجه می کرد و بر اشاعه آن تأکید می فرمود:

«قلوب الرجال حشیه فمن تألفها اقبلت علیه؛ دل‌های مردم وحشی (پراکنده) است. به کسی روی می آورند که با آنها خوش رویی (محبت و مدارا) کند» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی: ۱۹۲).

مصاحبه شونده شماره ۱ می گوید:

در بحث بیان روش های تربیتی باید بگونه ای باشد که بچه از نگاه و زبان خودش بتواند ببیند و آن را لازمه زندگی خودش بداند و از آن لذت ببرد. مثل بیان کردن قصص قرآنی به شکل داستان، شعر، قصه، رمان، فیلم، تئاتر. همه اینها باید بر معیار عاطفی و قلبی باشد نه عقلی؛ تا انگیزش عاطفی (احیا عاطفی) بر مباحث قلبی را برانگیخته کند.

مصاحبه شونده شماره ۲ می گوید:

«روش های تربیتی مبنی بر حُب بحث روشی دارد.

یعنی در عمل ما مهربانی رو چه جوری در تربیت جاری بکنیم که به اون اصول و اهدافی که مد نظرمون هست برسیم. چون روش ها از اصول در میاد و به سمت هدف ها جهت پیدا می کند. مثلاً روش مهر و قهر، وقتی بچه داره کار خوبی می کند به او محبت می کنید، وقتی بد عمل کرد شما باهاش قهر می کنید.

مصاحبه شونده شماره ۴ مطرح می کند که:

محبت هم یک روش است. ولی مهم این است که مدارا را چی معنی می کنید. مدارا عبارتست از اینکه بخشی از حق خودمو صرف نظر کنم برای اینکه به اون مقدار حداقل برسم.

مصاحبه شونده شماره ۶ می گوید:

نکته اساسی در مراحل تربیت این است که در مراحل اولیه تربیت، محبت نسبت به مراحل دیگر و بعد خیلی بیشتر باید نقش داشته باشد. چون در دوره دوم متوسطه بیشتر رویکردها رویکردی عقلانی و استدلالی و به عبارت دیگر انتزاعی است. ولی در دوره دبستان همه اش عاطفه و محبت است. در روش تشویق و تنبیه باید توضیح دهیم بر روش تشویق مبتنی بر محبت نه مبتنی بر یک نوع رشوه گیری - اقتصادی، نباید مبتنی بر منفعت باشد. باید مبتنی بر محبت باشد. تنبیه هم باید مبتنی بر محبت باشه نه مبتنی بر خشونت. بعضیا بین تنبیه و خشونت خلّت می کنند، باید براشون توضیح بدید، هر تنبیهی خشونت نیست و اگر ما در روش ها خشونت را نفی می کنیم ولی حتما تنبیه باید باشد ولی تنبیه مبتنی بر محبت.

۲۰. روش اسوه حسنه

"وَ اقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَ اسْتَنُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ!"

به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت کننده ترین سنت هاست (نهج البلاغه / خطبه ۱۱۰).

قرآن با توجه به این که داشتن الگو و اسوه امری ضروری و عمومی است، اصل مسأله را مسلم گرفته و مصداق الگو و شرایط آن را مطرح می کند و می فرماید: لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة (احزاب، آیه ۲۱). اسوه ها به دو دسته حسنه و سيئه تقسیم می شوند. اسوة قرآن،

اسوه حسنه است؛ اما اسوه حسنه قرآن برای کسانی که ایمان دارند و به دیدار خدا و روز قیامت امیدوارند اسوه است. «لمن كان يرجو الله و اليوم الآخر» (احزاب، آیه ۲۱)؛ می گوید: کسانی به دنبال اینگونه الگو هستند که به لقای خداوند و روز قیامت امید دارند؛ یعنی قیامت و لقای خدا را باور دارند و برای آن خود را آماده می کنند.

مصاحبه شونده شماره ۱ می گوید:

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد
رسول اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «من كان عنده صبی
فلیتصاب له»

آنکس که نزد او کودکی هست باید در پرورش او کودکانه رفتار کند (وسائل / ج ۵ / ص ۱۲۶ به نقل از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام شرح نراقی).

"إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَدْلَعُ لِسَانَهُ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَيَرَى الصَّبِيَّ لِسَانَهُ فَيَهْشُ إِلَيْهِ، فَقَالَ عَيْنَةُ بْنُ
بَدْرِ الْفَزَارِيِّ، وَاللَّهِ لَيَكُونُ الْإِبْنُ رَجُلًا قَدْ خَرَجَ وَجْهَهُ وَ مَا قَبَلْتُهُ قَطُّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ لَمْ يَرْحَمْ
لَا يُرْحَمْ"

مصاحبه شونده شماره ۲ می گوید:

البته به نظر من روش الگوبرداری با روش اسوه حسنه یکی است.

مصاحبه شونده شماره ۴ می گوید:

«معلمی که قول و عملش یکی باشد (اسوه حسنه باشد)، فقط ادعا، حرف و بحث نداشته
باشد، منابع هم که مهم خواهد بود، محتوایی که سازندگی برای دانش آموز داشته باشد و آن را
به ارمغان بیاورد.

محتوایی که بتواند به ارزش های دینی، انسانی و اخلاقی بپردازد و این محتوا باید ساده و
سهل و روان باشد. ما تربیت یک چیزی داریم که مسائل تربیتی باید به شکل تدریجی به
دانش آموز گفته شود، ما نمی توانیم مسائل سخت و شکننده رو به دانش آموز تحویل بدهیم
چرا که قطعا واکنش نشان خواهد داد.

۲.۱. پرهیز از سختگیری و توجه به محیط نشاط و شادابی

برای دستیابی به تربیت اسلامی از جمله تربیت مبتنی بر حب خدا، نباید کودکان و نوجوانان
را در معرض انتقاد و ایرادهای عدیده قرار داد و آن ها را با روش های خشک و سختگیرانه
منفی با و ارزش ها آشنا کرد. می بایست در این خصوص براساس نشاط و شادمانی عمل نمود.
روش تربیتی باید متناسب با خواسته ها و روحیات و کشش های درونی او باشد و انگیزه های
حب به خدا به همراه امید و احساس های مثبت به او منتقل شود، نه سختگیری.

مصاحبه شونده شماره ۱ می گوید:

در حقیقت راه قلبی، عرفانی، محبت، تصرف بر قلب است و فرد رو مثل یک زمینه حاصل خیر آماده می‌کند برای پذیرش، الگوپذیری، اطاعت و هم‌سو شدن و همگرا شدن. اما اگر آینه نباشند (دل و باور قلبی) هرگز نمی‌توان نتایج قطعی و نهایی خودتون رو بگیرد لذا نظام تربیتی نظام رابطه دو سوی و رابطه محبت و شوق و بحث قلبی است. مصاحبه شونده شماره ۴ می‌گوید:

«محیط آموزش و پرورش و محیط مدرسه باید محیط با نشاط و شادابی باشد، قطعاً محیط‌های سخت و شکننده نمی‌دارن شما اهداف و اصول تربیتی رو به بهترین شکل ممکن اونجا اجرا کنید. غالباً ارائه برنامه‌های آموزشی در مقطع ابتدایی در کشورهای دیگه به صورت بازی هست نه انضباطی خشک. اگر بهترین برنامه‌های انضباطی خشک را ارائه کنیم مطمئناً دانش آموز پذیرش نخواهد داشت چرا که دانش قبل از برنامه و محتوای خشک دنبال یک رابطه دوستی بین خود و معلم و محیطی است که در آن قرار دارد. و در واقع این رابطه چیزی جزء ادب، اخلاق و مسائل روابط انسانی نیست و اینکه به بهترین شکل رعایت شود.»

۲۲. بر شمرندن نعمت‌های الهی (یادآوری نعمت‌ها)

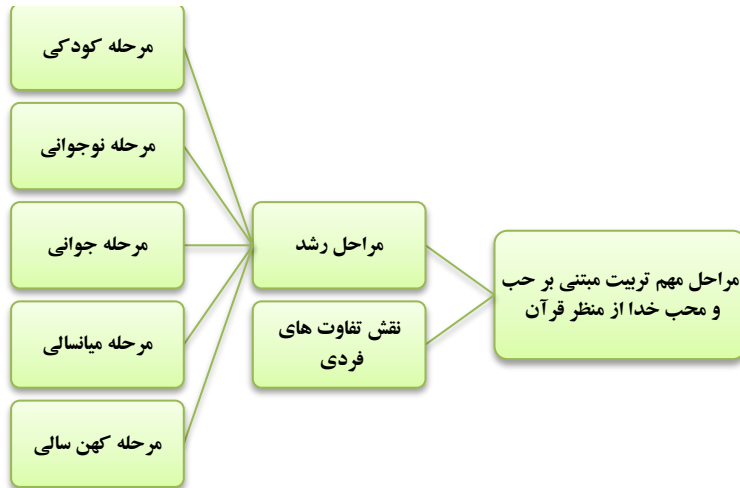
برخی از آیاتی که موضوع تذکر و به یاد داشتن نعمات خداوند را مورد تأکید قرار داده‌اند، عبارتند از:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ» (فاطر: ۳): ای مردم! نعمتی را که خدا به شما داده است، متذکر شوید.

– «وَأذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ» (بقره: ۲۳۱): و به یاد آرید نعمت‌های خدا را بر خود.
– «وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران: ۱۰۳): و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که شما با هم دشمن بودید، پس خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت.

مصاحبه شونده شماره ۵ مطرح می‌کند:

وقتی انسان از راه نعمت‌های خدا به او علاقمند شد، این علاقمندی عبادت، اطاعت و مودت می‌آورد. براساس آنچه مطرح شد، علامه مهمترین روش تربیتی مبتنی بر حب خدا را «حبّ عبودی» یا محبتی که از عبودیت فرد سرچشمه می‌گیرد می‌داند. وی معتقد است کسی که خود را بنده خداوند نداند، هرگز نمی‌تواند به تربیت اخلاقی صحیح و کامل دست یابد و به خب خدا نائل شود. البته این اعتقاد باید در عمل نشان داده شود. عبودیت نیز هرگز به طور کامل اجرا نمی‌شود؛ مگر آنکه انگیزه‌ی آن، محبت به خداوند باشد؛ محبت به کمالات او و اینکه ولی نعمت و رافع نیازهای انسان است. سایر روش‌های قرآن نظیر موعظه، اسوه حسنه و ... همگی حول محور «توحید» بوده و یادآور همین مسئله است.



شکل شماره ۵ در خصوص مراحل مهم تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن نشان می‌دهد که دو بعد اساسی یعنی مراحل رشد و توجه به تفاوت‌های فردی در این خصوص دارای اهمیت هستند، مراحل رشد در تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن در پنج مرحله شامل: کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و کهنسالی طبقه‌بندی می‌گردد. در همین رابطه می‌توان گفت نقش تفاوت‌های فردی و توجه به آن در همه مراحل تربیتی خصوصاً مراحل اولیه و پایه دارای اهمیت فراوانی است.

۲۳. مرحله کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی

انسان از بدو تولد تا ۲۱ سالگی، یعنی هنگامی که به لحاظ تربیتی از محیط خانواده دور می‌شود و از نظر رشد جسمی و اخلاقی تربیتی به بلوغ نسبی می‌رسد، مراحل به هم پیوسته رشد را پشت سر می‌گذارد. براساس تغییرات روانی، جسمی و عقلی که در انسان رخ می‌دهد، سه مرحله تربیتی برای او نیاز است که پرورش وی نیز باید با شناخت ویژگی‌های هر دوره صورت پذیرد. کودک تا هفت سال اول زندگی سید و سرور است و تعبیر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم از این مرحله تربیتی «سیادت کودک» است. هفت سال دوم، سن تعلیم‌پذیری، اطاعت و فرمانبرداری است و هفت سال سوم، سن نظرخواهی و مشورت. مصاحبه شونده کارشناس شماره ۱ می‌گوید:

امور تربیتی امور تدرّجی است و قانون استدرّاج روی آن می‌باشد و به تدریج زخ می‌دهد. (مثال تبدیل شدن غنچه به گل). مراحل رشد امری است تدریجی و بحث روش‌های تربیتی هم باید برخوردار از همین سیستم پلکانی باشد (مرحله به مرحله باشد متناسب با استعداد و ایجاد استعداد) تا بتواند با پذیرش آن خودش را همگام بکند و با لذت این بحث رو پیش ببرد. و لذا

ملاحظه سن، کشش، مطالعات، معلومات و معرفت فرد، مقتضیات زمان، مکان و شرایطی که فرد در آن واقع شده اینها ممکن هست در جغرافیای کشور یکسان نباشد فلذا تنوع کتاب را طلب می کند.

مصاحبه شونده شماره ۵ مطرح می کند که:

هر چه نیاز ما به خدا بیشتر باشه محبت ما به خدا بشتر می شود. نیازها را می شود طبق مراحل رشد پیش بریم. مراحل رشد را می شود به هشت مرحله تقسیم بندی کرد:

۱. مرحل دوران جنینی که یکسره وصله به مادره،

۲. دوران کودکی تا ۱۲ سالگی،

۳. دوران نوجوانی ۱۲ تا ۱۸،

۴. دوران جوانی از پایان ۱۸ تا ۲۶ یا ۲۸، در این مرحله حب انسان بیشتر است.

۵. دوران میانسالی تا سن ۴۰،

۶. بزرگسالی از ۴۰ تا ۶۰،

۷. پیری اول از ۶۰ تا ۷۵،

۸. پیری آخر از ۷۵ تا مرگ.

هر مقدار درجه فهم انسان بیشتر باشه و نیاز انسان بیشتر باشد در آن مرحله آدم بخدا نزدیک تر می شود. بعضی از افراد هستن که حتی برای عشق بخدا (مثل امیرالمومنین) شب ازخونه میزنه بیرون میره در جنگل ها، میره بر سر چاه ها، میره در خرابه ها، اونجا خدا رو مناجات می کنه غش می کنه دیگه. هر قدر نیازت بیشتر در اون مرحله احساس محبت بیشتر می شود، مرحله به مرحله فرق داره. ولی از لحاظ ظاهر، شدیدترین مرحله نیاز دوران کودکی است. مصاحبه شونده شماره ۶ می گوید:

نیاز به محبت خوب در مرحله سیادت این خیلی مهم و برجسته است. در سیادت و در مرحله کودکی تا ۷ سال از نوزادی تا ۷ سال (۷ تا ۱۴، ۱۴ تا) اینا را باید مشخص کنیم و طبقه بندی کنیم و بگیم در هر مرحله به چه عنوانی هست.

۲۴. توجه به تفاوت های فردی

مصاحبه شونده شماره ۱ می گوید:

در مراحل رشد با توجه به مقتضیات سن بچه ها و در هر مرحله از رشد (مثلاً کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی) این مسائل رو باید لحاظ کرد. بدون توجه به مراحل رشد و نیازهای هر مرحله اونچه که ما انتظار داریم اتفاق نخواهد افتاد.

مصاحبه شونده شماره ۴ می گوید:

در واقع تو مراحل تربیت آنچه مهم است بحث تقدم و تاخر است یعنی از ساده به مشکل رفتن و به تعبیر دیگر به اقتضای هر مرحله سنی شما بتوانید اون نیازهای دانش آموز و کودک را برطرف کنید.

بحث و نتیجه گیری

در خصوص مبانی حب و محب خدا از منظر قرآن می توان گفت که در شناخت حب و محب خدا چهار مبنای اصلی شامل: مبنای معرفت شناسی حب و محب خدا، مبنای هستی شناسی حب و محب خدا، مبنای انسان شناسی حب و محب خدا، و مبنای ارزش شناسی حب و محب خدا از میان متن مصاحبه با کارشناسان حوزه دینی استخراج گردید، یافته ها با یافته های پژوهش احمدپور دهقان (۱۳۹۵)، صالحی سمندی (۱۳۹۲)، سجادی (۱۳۹۱) و جدا و همکاران (۱۳۹۰) هماهنگ است. در خصوص سوال دوم پژوهش مربوط به اهداف تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن حب ذات نشان داد که: دوست داشتن بندگان اصلح و مومن، خدا دوستی و پیروی از او، صبغه الله (رنگ خدايي) و خلیفه الله، و حیات طیبه از مهمترین اهداف الگوی تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن می باشند. نتایج این سوال با یافته های پژوهش: آزاد مظلوم (۱۳۹۶)، احمدپور دهقان (۱۳۹۵)، صالحی سمندی (۱۳۹۲)، و شیروانی شیری (۱۳۹۲) هم جهت است. در خصوص سوال سوم مبنی بر شناسایی اصول تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می توان گفت: اصل ابراز یا منع محبت، اصل تأثیر حب در معرفت و یادگیری و برعکس، اصل خدامحوری، اصل اعتدال، اصل بهره بری صحیح از دنیا و اصل آزادی در تربیت از مهمترین اصول الگوی تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن می باشند. یافته ها با یافته های پژوهش آزاد مظلوم (۱۳۹۶)، احمدپور دهقان (۱۳۹۵)، کریمی ساردویی و گلی (۱۳۹۴)، صالحی سمندی (۱۳۹۲)، و شیروانی شیری (۱۳۹۲) هماهنگ است. در پاسخ به سوال چهارم در خصوص روش های تربیتی مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن روش حبّ عبودی می توان از مهمترین روش های تربیتی در الگوی تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن به: روش الگوبرداری، روش موعظه، روش محبت و مدارا و تصرف بر قلب ها، پرهیز از سختگیری و توجه به محیط نشاط و شادابی، روش اسوه حسنه، و برشمردن نعمت های الهی (یادآوری نعمت ها) اشاره نمود. یافته ها با یافته های پژوهش آزاد مظلوم (۱۳۹۶)، احمدپور دهقان (۱۳۹۵) هم سواست. در خصوص سوال پنجم مبنی بر شناسایی مراحل تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن می توان گفت که دو بعد اساسی یعنی مراحل رشد و توجه به تفاوت های فردی در این خصوص دارای اهمیت هستند، مراحل رشد در تربیت مبتنی بر حب و محب خدا از منظر قرآن در پنج مرحله شامل: کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و کهنسالی طبقه بندی می گردد. یافته با یافته های پژوهش آزاد مظلوم (۱۳۹۶)،

- احمدپور دهقان (۱۳۹۵)، صالحی سمندی (۱۳۹۲)، و شیروانی شیرینی (۱۳۹۲) هماهنگ است. بر همین اساس به نقش براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت:
- در خصوص تربیت مبتنی بر حب خدا از نظر قرآن باید زیر ساخت های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری فراهم گردد.
 - ابعاد و مولفه‌های الگوی طراحی شده می‌تواند مسیر طراحی برنامه درسی مبتنی بر حب خدا را روشن سازد.
 - با توجه به اهمیت فعالیت‌های پرورشی در مدارس می‌توان اصول و روش‌های تربیتی را در این حوزه به کار گرفت.
 - با توجه به همخوانی و ارتباط نزدیک سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی با پژوهش حاضر، نتایج این پژوهش قابلیت به کارگیری در برنامه درسی را دارد. پیشنهاد می‌شود مورد بررسی سیاستگذاران حوزه برنامه درسی قرار گیرد.

منابع

۱. احمدپور دهقان، سمانه. (۱۳۹۵) ابعاد تربیتی تعلیل به حب الهی در آیات قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف و علوم قرآنی مشهد.
۲. آزاد مظلوم، فاطمه. (۱۳۹۶) تبیین دلالت‌های تربیتی حب ذات متعالی از دیدگاه اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر.
۳. آقازاده، احمد. (۱۳۹۵). مسائل آموزش و پرورش ایران. تهران: سمت.
۴. باقری، خسرو. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. جلد دوم، چاپ بیست و ششم، تهران: انتشارات آگاه.
۵. جعفری دمسار، جلیل. (۱۳۹۴). نقش محبت به خدا در هدایت انسان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول الدین.
۶. جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۳). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۷. حیدری فرد، معصومه. (۱۳۹۵). نقش و کارکرد معنوی محبت خداوند متعال در اخلاق از دیدگاه علامه طباطبایی ره. دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۸. دانش، اسماعیل. (۱۳۸۷). روش‌های خودتربیتی از دیدگاه اسلام. فصلنامه راه تربیت، ۱۱، ۳۶-۱۵.
۹. دلیری، سیدمحمد؛ مصلاهی پور، عباس و ملکی، حسن. (۱۳۹۳). الگوی اهداف تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم. نوآوری‌های آموزشی. ۵ (۱۳)، ۳۰-۷.
۱۰. رضایی، لیلان. (۱۳۹۵). بررسی نظایر واژه حب در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معارف و قرآن کریم، دانشگاه علوم قرآنی مراغه.
۱۱. شیروانی شیری، علی؛ شمشیری، بابک؛ نجفی، محمد؛ نبوی زاده، راحله. (۱۳۹۲). تأملی در معنای حُب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۲۱ (۱۸)، ۱۳۴-۱۱۳.
۱۲. صالحی زاده، محمد اسماعیل. (۱۳۸۸). محبت در قرآن. تهران: اشک یاس.
۱۳. صالحی سمندی، زهرا (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان چپستی و جایگاه محبت در اخلاق اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پیام نور مرکز تهران.
۱۴. کریمی ساردویی، حمیرا و گلی، مهرناز. (۱۳۹۴). بررسی موانع محبت خدا به انسان در قرآن. همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی.
۱۵. مصطفوی تبریزی، حسن. (۱۳۷۵). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم (جلد اول و دوم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۶. ملک‌اوی، فتحی حسن. (۱۳۸۰). گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی.
۱۷. مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۹). کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت و پیامد معنایی آن. معرفت، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۵۹.